



معنی اللیب عن کتب الأعراب (کتاب)

«معنی اللیب عن کتب الأعراب»، اثر ابی‌محمد عبدالله جمال‌الدین بن یوسف بن احمد بن عبد الله بن هشام انصاری مصری است.

فهرست مندرجات

- ۱ - معرفی اجمالی
- ۲ - ساختار
- ۳ - گزارش محتوا
- ۳.۱ - عوامل تفصیل، ابهام و پیچیدگی
کتب نحو
- ۳.۱.۱ - اول
- ۳.۱.۲ - دوم
- ۳.۱.۳ - سوم
- ۳.۲ - باب اول
- ۳.۲ - باب دوم
- ۳.۲.۱ - اثبات ادعای فوق
- ۳.۴ - باب سوم
- ۳.۵ - باب چهارم
- ۳.۵.۱ - ویژگی کتاب
- ۴ - وضعیت کتاب
- ۵ - پانویس
- ۶ - منبع

معرفی اجمالی

«معنی اللیب عن کتب الأعراب»، اثر ابی‌محمد عبدالله جمال‌الدین بن یوسف بن احمد بن عبد الله بن هشام انصاری مصری (متوفی ۷۶۱ ق)، کتابی است نحوی و ادبی که به زبان عربی نوشته شده و تألیف آن در ماه ذی‌القعدة ۷۵۶ ق، در مکه به پایان رسیده است.

کتاب با تحقیق و تصحیح محمد محی‌الدین عبد الحمید، عرضه گردیده است.

در اهمیت این اثر، همین بس که یکی از کتاب‌های بسیار معروف و مهم علم نحو می‌باشد که در حوزه‌های علمی تدریس شده و بر آن حواشی و شرح‌های فراوانی نوشته‌اند.

ابن خلدون از جمله کسانی است که کتاب معنی را در مغرب یافته و به گفته خود از آن بهره‌ها برده و جامعیت کتاب را دلیل بر مقام ارجمند مؤلف و توان علمی او دانسته است.^[۱]

ساختار

کتاب با یک مقدمه از محقق در بیان زندگی‌نامه ابن هشام و خطبه نویسنده در اشاره به عناوین ابواب، آغاز و مطالب در دو جزء، در هشت باب، تنظیم شده است.

کتاب، مشتمل بر قواعد کلی نحو و تطبیق آن‌ها بر مثال‌هایی از آیات کریمه و اشعار عرب به روشی مخصوص، جز روش کتاب‌های این فن، می‌باشد که بنا به گفته ابن هشام دارای تکرار غیر لازم است.

نویسنده، وابسته به مکتب نحوی خاصی نیست؛ زیرا در زمان او کشمکش و درگیری بین مکتب‌های نحوی بصری و کوفه دیگر فروکش کرده بود و نحویان تعصبی نسبت به شخص یا مکتب خاصی نداشتند؛ از همین رو، وی در آثار خود به آراء نحویان بصره و کوفه هر دو استناد کرده است؛ هرچند که آراء منطقی بصریان به هر حال در سراسر اثر او دیده می‌شود.^[۲]

ابن هشام، تقریباً همه شهرت خود را، لاقلاً در شرق جهان اسلام، مدیون کتاب معنی خویش است که مورد تمجید و ستایش بسیار اهل علم، به‌ویژه ابن خلدون قرار گرفته است.^[۳]

وی کتاب معنی را نخست در ۷۴۹ ق / ۱۳۴۸ م، در مکه تألیف کرد، اما به گفته خود، در راه بازگشت به مصر مفقود شد. او بار دیگر در ۷۵۶ ق / ۱۳۵۵ م که به مکه رفت، مجدداً به تألیف آن پرداخت.^[۴]

این کتاب از همان آغاز مورد توجه بسیار علما قرار داشت و هم‌اکنون نیز پس از گذشت قرن‌ها همچنان در زمره کتاب‌های درسی مدارس علمیه است و امروزه در ایران بیش از هر جای دیگر به آن توجه دارند. [۵]

گزارش محتوا

← عوامل تفصیل، ابهام و پیچیدگی کتب نحو

نویسنده در خطبه کتاب، سه عامل را باعث تفصیل و در نتیجه، ابهام و پیچیدگی کتب نحو دانسته است:

← اول

نخست اینکه نحویان در آثار خود قواعد نحوی را به صورت کلی بازگو نکرده‌اند تا از تکرار در موارد مشابه بی‌نیاز باشند؛ از همین رو وی این گونه قواعد از قبیل احکام مبتدا و خبر، توابع، حال، تمییز، اقسام عطف و اضافه را در باب چهارم آورده است و بدین سبب این باب بیشتر مورد توجه مدارس علمیه است. [۶]

← دوم

دوم اینکه به عقیده او برخی نحویان مسائلی را که مربوط به علم صرف است، مانند مباحث اشتقاق، جمع تکسیر، تصغیر، تذکیر و تأنیث، با مسائل نحوی خلط کرده‌اند و در این باره بیشتر بر کتاب «مشکل إعراب القرآن» تألیف مکی بن ابی‌طالب خرده می‌گیرد. جالب اینکه خود نیز در برخی موارد دچار این خلط و درآمیختگی مسائل صرفی و نحوی شده است. (مثلاً نک: ۲ / ۴۵۸ - ۴۶۰، وجوه اختلاف اسم فاعل و صفت مشبیه).

← سوم

سوم آنکه می‌گوید: پیشینیان گاه به مسائلی ساده و ابتدایی از قبیل اعراب مبتدا و خبر، فاعل و مفعول، نایب فاعل و جار و مجرور که بر همه روشن است، پرداخته‌اند که جز اطاله کلام، سودی ندارد؛ از همین رو وی با در نظر داشتن آنچه نقایص و معایب دیگر کتب می‌پندارد، دست به تألیفی، به قول خود، جامع زده که نواموزان و مبتدیان در نحو را از دیگر کتب نحوی بی‌نیاز سازد و به همین سبب آن را «مغنی اللیب عن کتب الأعراب» نام نهاده است، اما باید توجه داشت که این کتاب با همه ارزش علمی، جز برای اهل فن و دانش‌پژوهانی که سطوح عالی را طی کرده‌اند، سودی ندارد و برخلاف آنچه قصد این هشام بوده، برای افراد مبتدی، هرگز قابل استفاده نیست و هیچ‌کس از طریق خواندن مغنی نمی‌تواند عربی بیاموزد و از همین رو تدریس آن حتی در مدارس علمیه نیز که آن را پس از «البهجة المرضیة» سیوطی می‌خوانند، توفیق چندانی به همراه نداشته است. [۷]

← باب اول

جزء اول، باب اول، از حرف «الف» تا «میم» (مذ و منذ) را در خود جای داده است. جزء دوم نیز از حرف «نون» آغاز شده و ابواب دیگر را نیز شامل شده است.

باب اول که بیشترین حجم کتاب را تشکیل می‌دهد، به حرف و اقسام آن اختصاص دارد. نویسنده در این باب روش سنتی نحویان در تقسیم‌بندی حروف را نادیده گرفته و آنها را براساس حروف الفبا مرتب ساخته و سپس به تفصیل و با ذکر شواهد بسیار، به شرح هر یک پرداخته است؛ مثلاً حروف ندای «ا» و «یا» را در ابتدای این باب و «یا» را در پایان آورده است. [۸]

← باب دوم

در باب دوم، مؤلف مسئله جمله را که معمولاً کمتر بدان عنایت می‌شود و حتی نحویان بزرگی چون ابن مالک آن را نادیده گرفته‌اند، مطرح ساخته است. دست‌مایه اصلی وی در این باب، بیشتر دو کتاب «المفصل» زمخشری و «دلایل الأعجاز» عبد القاهر جرجانی است که هر دو، به ساختمان عمومی جمله و تئوری آن عنایت فراوان داشته‌اند. [۹]

بسیاری از گذشتگان، میان جمله ساده، مرکب، جمله اصلی و فراکرد پیرو، تفاوت قائل شده‌اند، اما در نام‌گذاری فراکرد پایه و پیرو همیشه مردد بوده‌اند و مثلاً هر دو را «جمله» خوانده‌اند، اما ابن هشام خواسته است این عیب را برطرف سازد و از این رو پس از نقد آراء گذشتگان، به‌طور کلی جمله‌های اصلی را «کلام» و فراکردهای پیرو را «جمله» خوانده است. [۱۰]

← اثبات ادعای فوق

وی در اثبات این ادعا می‌گوید: جملاتی از قبیل شرط، جزا و صله همه جمله‌اند، اما مفید نیستند و سکوت بر آنها جایز نیست. اما مشکل عمده ابن هشام و امثال وی در تئوری جمله این است که تنها به ساختار دستوری و عامل معنی، آن هم در مفهوم عام توجه می‌کردند و بهترین ابزار کار را این عبارت قرار می‌دادند که «یصحّ السکوت علیها». [۱۱]

چون برخی از عوامل دیگر چون عامل صورت، تکیه و آهنگ را در نظر نداشتند، در مقابل عباراتی قرآنی، چون «لا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ» که به‌ظاهر جمله‌ای تامه است، ناچار می‌شدند به عواملی خارجی، چون مقتضای حال روی آورند؛ زیرا این عبارت، بدون «وَ أَنْتُمْ سَکَارَى» معنای کاملی ندارد.

وی در ادامه همین باب، جمله را به دو نوع کبری و صغری تقسیم کرده، جمله کبری را جمله اسمیه‌ای دانسته است که خبر آن، خود جمله دیگری باشد مانند: «زیدٌ ابوهُ قائمٌ»؛ «ابوه قائم» جمله صغری و خبر زید است. وی سپس مسئله کلام و جمله را رها کرده و بیشتر به جزئیات و شواهد پرداخته است؛ به‌گونه‌ای که بیشتر حجم این باب را همین موارد شاذ و نامعلوم و نیز شواهد شعری تشکیل می‌دهد (مثلاً در تعیین اینکه آیا انبوهی از جملات معروف قرآنی یا غیر قرآنی، جملاتی اسمیه‌اند یا فعلیه، کوشش بسیار کرده است). [۱۲]

← باب سوم

باب سوم، به شبه جمله و احکام آن اختصاص دارد که همه برگرفته از آثار پیشینیان است.

باب چهارم نیز همان‌گونه که گفته شد، به کلیاتی از قبیل احکام مبتدا و خبر، فاعل و مفعول، عطف بیان، بدل، حال، تمییز، وجوه اختلاف حال و تمییز و اقسام هریک، اعراب اسم‌های شرط، مسوغات ابتدای به نکره، اقسام عطف و اضافه اختصاص دارد و از همین‌رو این باب در مدارس علمیه از اهمیت فراوان برخوردار است. سایر باب‌های کتاب نیز همه اقتباس و برگرفته از آثار نحویان کهن است که در آنها هیچ ابداع و نوآوری به چشم نمی‌خورد. عناوین این ابواب، عبارتند از: وجوه معرب، امور مشهور بین علما و صواب و خلاف آن، کیفیت اعراب، امور کلی.

← ویژگی کتاب

این کتاب، مهم‌ترین اثر ابن هشام می‌باشد. کثرت شواهد شعری و استناد بسیار به متون ادبی و آیات قرآنی، این کتاب را از صورت اثری صرفاً نحوی، خارج ساخته و آن را به اثری نحوی - ادبی تبدیل کرده است و گویا گذشتگان نیز به این مسئله توجه داشته‌اند، زیرا مختصر این کتاب که توسط احمد نائب تهیه شده، «قراصة الذهب فی علمی النحو و الأدب» نامیده شده است.^[۱۳]

وضعیت کتاب

این اثر نخستین بار در تهران (۱۲۶۴ ق) به چاپ رسیده است. چاپ‌های انتقادی این کتاب به کوشش مازن المبارک و محمدعلی خیر الله در قاهره (۱۹۵۹ م) و محمد محیی‌الدین عبد الحمید در بیروت (۱۹۶۴ م) منتشر شده است. علاوه بر دو شرحی که مؤلف با عنوان‌های شرح الکبیر و شرح الصغیر بر شواهد آن نوشته، مهم‌ترین شرح‌ها و حواشی آن عبارتند از: شرح تقی‌الدین احمد بن محمد شمتنی (شمنی) با عنوان «الکلام علی مغنی ابن هشام» (قاهره، ۱۳۰۵ ق)؛ شرح شیخ محمد بن ابی‌بکر دمامینی (د ۸۲۸ ق) با عنوان «تحفة الغریب بشرح مغنی اللیب» که پارها از جمله در حاشیه شرح شمنی به چاپ رسیده است؛ شرح ابویاسر شمس‌الدین محمد بن عمار مالکی (د ۸۴۴ ق) با نام «کافی المغنی»؛ شرح عبدالله بن اسماعیل صاوی با عنوان «شرح المغنی و شواهد» (قاهره، ۱۹۵۸ م)؛ حاشیه شیخ شمس‌الدین محمد بن عبد الرحمن بن صائغ (د ۷۷۶ ق) به عنوان «تنزیه السلف عن تمویبه الخلف»؛ حاشیه محمد بن احمد دسوقی (بولاق، ۱۲۸۴، ۱۲۸۶، ۱۳۰۲ ق)؛ قاهره، ۱۳۰۵ ق)؛ حاشیه محمد بن محمد سنباوی با عنوان «حاشیه الکبیر علی مغنی اللیب» (قاهره، ۱۳۰۲ ق)؛ شرح سیوطی بر شواهد آن با عنوان «فتح الغریب بشرح شواهد مغنی اللیب عن کتب الأعراب» (قاهره، ۱۳۲۲ و ۱۳۲۴ ق).

فهرست مطالب هر جزء، در انتهای همان جزء و فهرست شواهد مورد استفاده در متن، در انتهای کتاب آمده است.

پاورقی‌ها بیشتر به توضیحات مصحح در مورد متن و اشاره به اختلاف نسخ، اختصاص یافته است.

پانویس

۱. ↑ بجنوردی، سید کاظم و همکاران (۱۳۷۷)، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (چاپ دوم)، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۱۱۴، نوشته عنایت الله فاتحی‌نژاد.
۲. ↑ بجنوردی، سید کاظم و همکاران (۱۳۷۷)، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (چاپ دوم)، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۱۱۵، نوشته عنایت الله فاتحی‌نژاد.
۳. ↑ بجنوردی، سید کاظم و همکاران (۱۳۷۷)، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (چاپ دوم)، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۱۱۵، نوشته عنایت الله فاتحی‌نژاد.
۴. ↑ بجنوردی، سید کاظم و همکاران (۱۳۷۷)، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (چاپ دوم)، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۱۱۵، نوشته عنایت الله فاتحی‌نژاد.
۵. ↑ بجنوردی، سید کاظم و همکاران (۱۳۷۷)، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (چاپ دوم)، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۱۱۵، نوشته عنایت الله فاتحی‌نژاد.
۶. ↑ بجنوردی، سید کاظم و همکاران (۱۳۷۷)، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (چاپ دوم)، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۱۱۵، نوشته عنایت الله فاتحی‌نژاد.
۷. ↑ بجنوردی، سید کاظم و همکاران (۱۳۷۷)، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (چاپ دوم)، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۱۱۵، نوشته عنایت الله فاتحی‌نژاد.
۸. ↑ بجنوردی، سید کاظم و همکاران (۱۳۷۷)، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (چاپ دوم)، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۱۱۵، نوشته عنایت الله فاتحی‌نژاد.
۹. ↑ بجنوردی، سید کاظم و همکاران (۱۳۷۷)، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (چاپ دوم)، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۱۱۵، نوشته عنایت الله فاتحی‌نژاد.
۱۰. ↑ بجنوردی، سید کاظم و همکاران (۱۳۷۷)، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (چاپ دوم)، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۱۱۵، نوشته عنایت الله فاتحی‌نژاد.
۱۱. ↑ بجنوردی، سید کاظم و همکاران (۱۳۷۷)، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (چاپ دوم)، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۱۱۶، نوشته عنایت الله فاتحی‌نژاد.
۱۲. ↑ بجنوردی، سید کاظم و همکاران (۱۳۷۷)، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (چاپ دوم)، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۱۱۶، نوشته عنایت الله فاتحی‌نژاد.
۱۳. ↑ بجنوردی، سید کاظم و همکاران (۱۳۷۷)، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (چاپ دوم)، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۱۱۵، نوشته عنایت الله فاتحی‌نژاد.

منبع

نرم‌افزار ادبیات عرب، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.